

The effectiveness of couple therapy based on emotional intelligence components on reducing marital conflicts and increasing adjustment of divorce applicant couples

Sajjad Panahifar¹, Aria Momeni²

1-PhD Student, Department of Psychology, Imam Ali University, Tehran, Iran (Corresponding Author).

E-mail: S.panahi62@gmail.com

2- PhD Student, Department of Psychology, Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Received: 17/06/2021

Accepted: 15/08/2021

Abstract

Introduction: Divorce, as a phenomenon that challenges the cohesion of the family, is one of the most important causes of tension and pressure.

Aim: The current study aimed at investigating the effectiveness of couple therapy based on emotional intelligence components on reducing marital conflict and increasing adjustment of divorce applicant couples in Khorramabad.

Method: The current study was a quasi-experimental study with a control group among the divorce applicant couples in Khorramabad in 2018. 18 couples (36 people) were voluntarily selected and randomly assigned to the control and experimental groups. The experimental group underwent ten sessions of couple therapy based on emotional intelligence components; nonetheless, the control group did not receive any interventions. Bar-On Emotional Quotient Inventory (EQ-i), Baratti and Sanai Marital conflict inventory, and Revised Dyadic Adjustment Scale (RDAS) were used in this study. The data analysis was conducted via covariance analysis method through SPSS software.

Results: The results showed the effectiveness of couple therapy based on emotional intelligence components on reducing marital conflicts ($f=72.124$, $\text{Eta}=0.976$, $P=0.0001$), increasing adjustment ($f=35.741$, $P=0.001$, $\text{Eta}=0.816$) of divorce applicant couples. In other words, the marital compatibility of couples who received couple therapy based on emotional intelligence components to the control group who did not receive any treatment and their marital conflicts also decreased significantly.

Conclusion: The findings of the present study indicated that couple therapy based on emotional intelligence components in the workplace with divorce applicants can be effective in promoting emotional intelligence components as well as increasing awareness and mutual understanding and ultimately lower risk of divorce And marital conflicts.

Keywords: Family conflicts, Marital adjustment, Couples therapy, Emotional intelligence, Divorce

How to cite this article: Panahifar S, Momeni A. The effectiveness of couple therapy based on emotional intelligence components on reducing marital conflicts and increasing adjustment of divorce applicant couples. Shenakht Journal of Psychology and Psychiatry. 2021; 8 (4): 38-50. URL: <http://shenakht.muk.ac.ir/article-1-1077-en.pdf>

Copyright © 2018 the Author (s). Published by Kurdistan University of Medical Sciences. This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution-Non Commercial License 4.0 (CCBY-NC), where it is permissible to download, share, remix, transform, and buildup the work provided it is properly cited. The work cannot be used commercially without permission from the journal.

اثربخشی زوج درمانی مبتنی بر مولفه‌های هوش هیجانی بر کاهش تعارضات زناشویی و افزایش سازگاری زوجین متقاضی طلاق

سجاد پناهی فر^۱، آریا مومنی^۲

۱. دانشجوی دکتری، گروه روانشناسی، دانشگاه امام علی (ع)، تهران، ایران (مؤلف مسئول). ایمیل: S.panahi62@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری، گروه روانشناسی، واحد تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۰۵/۲۴

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۰۳/۲۷

چکیده

مقدمه: طلاق به عنوان پدیده‌ای که انسجام خانواده را نشانه می‌رود از مهمترین عوامل ایجاد تنش و فشار است.

هدف: پژوهش حاضر با هدف تعیین اثربخشی زوج درمانی مبتنی بر مولفه‌های هوش هیجانی بر کاهش تعارضات زناشویی و افزایش سازگاری زوجین متقاضی طلاق شهرستان خرم‌آباد انجام شد.

روش: پژوهش حاضر از نوع نیمه آزمایشی با گروه کنترل و آزمایش بود که از بین زوجین متقاضی طلاق شهرستان خرم‌آباد در سال ۱۳۹۷ تعداد ۱۸ زوج (۳۶ نفر) به صورت داوطلبانه انتخاب و به صورت تصادفی در دو گروه کنترل و آزمایش گمارش گردیدند. سپس زوج درمانی مبتنی بر مولفه‌های هوش هیجانی برای گروه آزمایش به مدت ۱۰ جلسه در گروه آزمایش اجرا شد و گروه کنترل از هیچ‌گونه درمانی برخوردار نشد. در این پژوهش از پرسشنامه‌های هوش هیجانی بار-آن (EQ-I)، پرسشنامه تعارضات زناشویی براتی و ثنایی و مقیاس سازگاری زوجی باسی و همکاران (RDAS) استفاده گردید و داده‌های به دست آمده به شیوه تحلیل کوواریانس با نرم‌افزار SPSS نسخه ۱۹ تحلیل شدند.

یافته‌ها: نتایج حاکی از اثربخشی زوج درمانی مبتنی بر مولفه‌های هوش هیجانی بر کاهش تعارضات زناشویی ($f=۷۲/۱۲۴$)، افزایش سازگاری ($\text{Eta}=۰/۹۷۶$ ، $P=۰/۰۰۰۱$)، افزایش سازگاری زوجین متقاضی طلاق بود. به عبارت دیگر سازگاری زناشویی زوجینی که زوج درمانی مبتنی بر مولفه‌های هوش هیجانی را دریافت کرده بودند در مقایسه با گروه کنترل که هیچ‌گونه درمانی را دریافت نکرده بودند به طور معنی‌داری افزایش یافته و تعارضات زناشویی آنان نیز کاهش معنی‌داری پیدا کرده بود.

نتیجه‌گیری: یافته‌های پژوهش حاضر بیانگر آن بودند که کاربرد زوج درمانی مبتنی بر مولفه‌های هوش هیجانی در فضای کار با مراجعین طلاق می‌تواند در ارتقای مولفه‌های هوش هیجانی و همچنین افزایش آگاهی و درک متقابل مفید و در نهایت در کاهش آسیب طلاق و تعارضات زوجین اثربخش باشد.

کلیدواژه‌ها: تعارضات زناشویی، سازگاری زوج درمانی، هوش هیجانی، طلاق

مقدمه

طلاق پدیده‌ای است که به اعتقاد برخی از پژوهشگران، بعد از مرگ ناگهانی در خانواده، از مهمترین عوامل ایجاد تنش و فشار تلقی می‌شود (صادقی، هاشمی و فلاح زاده، ۱۳۹۴) و عواقب آن دامن‌گیر همه اعضای خانواده می‌شود و بهداشت روانی افراد را خدشه‌دار می‌کند (هاروی و فاین^۱، ۲۰۱۱). نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهد طلاق والدین افزایش تمایل به طلاق در نوجوانان به ویژه در دختران (هاز، کنیول و براونینگ^۲، ۲۰۱۴)، ایجاد اختلال در روابط فرزندان، کاهش اعتماد به خود دختران در برقراری و ثبات روابط، عدم اعتماد به شریک زندگی در دختران (روث، هارکینز و انگک^۳، ۲۰۱۴) و اثرات روانی پایدار در بزرگسالی فرزندان را به دنبال دارد (کاسیمانو و ریگز^۴، ۲۰۱۳). لذا پرداختن به موضوع طلاق با توجه به ابعاد و تبعات گوناگون آن بسیار ضروری به نظر می‌رسد. بنابراین یکی از اهداف مهم علوم رفتاری تسهیل روابط و بهبود تعارضات زناشویی است که در این راستا روانشناسان به این نتیجه رسیده‌اند که از طریق هوش منطقی می‌توان رابطه را آغاز کرد، اما دوام آوردن آن به هوش عاطفی بستگی دارد و هوش هیجانی می‌تواند آغازگر اختلال در روابط بین فردی و طلاق زوجها باشد (اسکات^۵، ۲۰۱۸)؛ در این راستا تحقیقات رابطه منفی مؤلفه‌های بی‌ثباتی هیجانی و بازگشت هیجانی از هوش هیجانی با رضایت زناشویی (موسوی و ایروانی، ۱۳۹۰) و همچنین تاثیر مؤلفه‌های هوش هیجانی (همدلی، آگاهی هیجانی، تنظیم هیجانی و بیان هیجانی) در میزان

رضامندی زناشویی (کارن و تامارن^۶، ۲۰۱۰؛ بتول و خالد^۷، ۲۰۰۹؛ کوچک انتظار، نورآینی و قنبری‌پناه، ۱۳۹۰؛ لوالیکار، کالکارنی و جاگتاپ^۸، ۲۰۱۰) را مورد تایید قرار داده‌اند.

همچنین براکت، وارنر و بوسکو^۹ (۲۰۰۵) و هولی^{۱۰} (۲۰۰۶) نشان دادند که زوج‌های با هوش هیجانی پایین بیشتر دچار تعارض زناشویی می‌شوند و از طرف دیگر هوش هیجانی در مدیریت تعارضات زناشویی نقش به‌سزایی دارد (هاپکینز و یانکر^{۱۱}، ۲۰۱۵) به‌صورتی که برخی از جنبه‌های هوش هیجانی برای تقویت مهارت مدیریت تعارض و مدیریت تعارض‌های بعدی موثر می‌باشند (مولر و وانتیز^{۱۲}، ۲۰۱۵) و آموزش هوش هیجانی بر افزایش قابلیت‌های فردی و اجتماعی زنان و مردان دانشجوی موثر بوده است (احیاکننده و چنگک^{۱۳}، ۲۰۱۵). بر این اساس هوش هیجانی بیانگر آن است که در روابط اجتماعی و در بده بستان‌های روانی عاطفی در شرایط خاص چه عملی مناسب و چه عملی نامناسب است، یعنی فرد در شرایط مختلف بتواند امید را همیشه در خود زنده نگه دارد، با دیگران همدلی نماید، احساسات دیگران را بشنود، برای بدست آوردن پاداش بزرگ‌تر، پاداش‌های کوچک را نادیده انگارد، نگذارد نگرانی، قدرت تفکر و استدلال او را مختل نماید، در برابر مشکلات پایداری نماید و در همه حال انگیزه‌ی خود را حفظ نماید (جلالی، ۱۳۸۱).

⁶- Karen, & Tamaren

⁷- Batool, & Khalid

⁸- Lavalekar, Kulkarni, & Jagtap

⁹- Bracett, Warner, & Bosco

¹⁰- Holley

¹¹- Hopkins, & Yonker

¹²- Moeller, & Kwantes

¹³- Ehyakonandeh, & Chang

¹- Harvey, & Fine

²- Haaz, Kneavel, & Browning

³- Roth, Harkins, & Eng

⁴- Cusimano, & Riggs

⁵- Schutte

بودند از: داشتن معرفی نامه طلاق توافقی از شورای حل اختلاف شهر خرم آباد، تک همسری بودن برای آقایان، داشتن حداقل ۳ سال زندگی مشترک، عدم ابتلا به اختلالات روانشناختی و نداشتن سابقه بیماری روانی. همچنین معیارهای خروج از پژوهش نیز عبارت بودند از: غیبت در ۲ جلسه متناوب، تجربه خیانت زناشویی توسط هر دو یا یکی از زوجین و داتشتن اعتیاد توسط هر دو یا یکی از زوجین.

روند اجرای پژوهش به این گونه بود که ابتدا این تعداد نمونه بصورت گمارش تصادفی در دو گروه آزمایش (۹ زوج) و گروه کنترل (۹ زوج) جایگزین گردیدند و پیش‌آزمون بر روی تمام جامعه نمونه اجرا گردید، سپس ۱۰ جلسه زوج درمانی مبتنی بر هوش هیجانی به مدت هر جلسه ۶۰ دقیقه برای گروه آزمایش اجرا شد. بعد از این مراحل پس‌آزمون اجرا شد و تمامی آزمودنی‌ها به ابزارهای پژوهش پاسخ دادند. به دلیل اینکه پژوهش حاضر از نوع پژوهش‌های مداخله‌ای است، بنابراین ملاک‌ها و ضوابط اخلاقی انجمن روانشناسی آمریکا و ملاک‌های اخلاقی سازمان نظام روانشناسی و مشاوره ایران در نظر گرفته شد. به‌طوریکه یک رضایت‌نامه آگاهانه کتبی با در نظر گرفتن نکات زیر تدوین گردید: اصل رازداری رعایت شود، سلامت روانشناختی شرکت‌کنندگان در اولویت قرار گیرد، افرادی که تمایل به شرکت در روند درمان نداشته باشند به درخواست آن‌ها احترام گذاشته شود. همچنین براساس کدهای ۲۶ گانه مصوب کمیته کشوری اخلاق در پژوهش‌های علوم پزشکی کدهای ۱۳ و ۲ (منافع حاصل از یافته‌ها در جهت پیشرفت دانش بشری) کد ۲۰ (هماهنگی پژوهش با موازین دینی و فرهنگی) رعایت شد. در پایان داده‌ها با

هوش هیجانی قابلیت، مهارت و توانایی برای ارزیابی، شناسایی و مدیریت هیجان در خود دیگران و گروه‌ها است (سرات^۱، ۲۰۱۷) که نقش مهمی در پیش‌بینی رضایت زناشویی (کامل عباسی، طباطبایی، آقامحمدیان، شرباف و کارشکی، ۱۳۹۵؛ امامی، میرزاییان و حسن زاده، ۱۳۹۴) ایفا می‌کند این درحالی است که بسیاری از مهارت‌هایی که قسمتی از هوش هیجانی هستند می‌توانند یاد گرفته شوند (سالووی، مایر و کاروسو^۲، ۲۰۰۲). برای این براین اساس ترتیب دادن جلسات گروهی درباره انواع هیجان‌ات مثل شادی و غم، عشق و تنفر و... موجب می‌گردد افراد درباره احساسات و هیجان‌ات خود اطلاعات عینی‌تری پیدا کنند که نقش مهمی در بهبود کیفیت روابط بین فردی و اجتماعی دارد (اسمیت، هیاون و کلاروچی^۳، ۲۰۰۸)؛ بنابراین مساله اساسی پژوهش حاضر عبارت است از اینکه آیا زوج درمانی مبتنی بر هوش هیجانی بر افزایش سازگاری و کاهش تعارضات زناشویی متقاضیان طلاق اثر بخش می‌باشد؟

روش

روش پژوهش، نیمه آزمایشی با پیش‌آزمون و پس‌آزمون و گروه کنترل بود. جامعه آماری پژوهش، تعداد ۹۶ نفر (به عبارتی ۴۸ زوج) متقاضی شرکت در برنامه درمانی از میان زوج‌های متقاضی طلاق شهرستان خرم آباد بودند که به دلیل اختلافات زناشویی تا ۱۵ دی ماه ۱۳۹۷ توسط دادگاه خانواده به مرکز مشاوره پیشگیری از طلاق این شهرستان ارجاع داده شده بودند که به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده تعداد ۳۶ نفر (به عبارتی ۱۸ زوج) براساس معیارهای ورود انتخاب شدند که معیارهای ورود عبارت

¹- Serrat

²- Salovey, Mayer, & Caruso

³- Smith, Heaven, & Clarrochi

استفاده از روش آماری تحلیل کوواریانس چند متغیره با نرم افزار SPSS نسخه ۱۹ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

جدول ۱ فرآیند زوج درمانی مبتنی بر مولفه‌های هوش هیجانی

جلسه	محتوای جلسه
جلسه اول	آموزش و آشنایی و گرفتن شرح حال / توضیح مفهوم هوش هیجانی و تعاریف آن، مولفه‌های آن و همچنین تاثیر و کاربرد آن در زندگی زناشویی برای زوجین
جلسه دوم	بحث و آموزش در مورد خرده مقیاس «خودآگاهی هیجانی»
جلسه سوم	بحث و آموزش در مورد خرده مقیاس «ابراز وجود»
جلسه چهارم	بحث و آموزش در مورد خرده مقیاس هوش هیجانی درون فردی «عزت نفس، خودشکوفایی و استقلال»
جلسه پنجم	بحث و آموزش در مورد خرده مقیاس «همدلی» موانع آن و نحوه برقراری ارتباط صحیح بین عواطف و احساسات دیگر برای زوجین
جلسه ششم	بحث و آموزش در مورد خرده مقیاس «روابط بین فردی و مسئولیت پذیری اجتماعی»
جلسه هفتم	بحث و آموزش در مورد خرده مقیاس «هوش هیجانی سازگاری» یا توانایی حل مسائل، واقعیت آزمایی و انعطاف پذیری
جلسه هشتم	بحث و آموزش در مورد فنون و شیوه‌های مدیریت استرس، تحمل فشار و کنترل تکانه یا توانایی اداره عواطف خود
جلسه نهم	بحث و آموزش در مورد خرده مقیاس «استفاده موثر از هیجان‌ها در زندگی»
جلسه دهم	جمع بندی در مورد تمامی جلسات و همچنین بازآزمایی.

ابزار

پرسشنامه تعارضات زناشویی^۱: این پرسشنامه را براتی در سال ۱۳۷۵ و زیر نظر ثنایی تهیه و تنظیم کرده که ۷ بعد از تعارضات زناشویی را اندازه گیری می کند. ابعاد هفتگانه آن شامل-خرده مقیاس‌های کاهش همکاری زوجین، کاهش رابطه جنسی، افزایش واکنش‌های هیجانی، جلب حمایت فرزندان، افزایش رابطه فردی با خویشاوندان خود، کاهش رابطه خانوادگی با خویشاوندان همسر و دوستان و در نهایت جدا کردن امور مالی از یکدیگر است که در مقیاس لیکرت برای هر سوال پنج گزینه در نظر گرفته شده و به تناسب ۱ تا ۵ نمره به آن‌ها اختصاص

داده شده است. حداکثر نمره کل پرسشنامه ۲۷۰ و حداقل آن ۵۴ است. حداکثر نمره خرده مقیاس‌ها مساوی با تعداد سوال‌های آن خرده مقیاس ضرب در ۵ است. در این ابزار، نمره بیشتر به معنی تعارض بیشتر و نمره کمتر به معنی رابطه بهتر و تعارض کمتر است؛ نمره گذاری سوال-ها به صورت: هرگز (۱)، بندرت (۲)، گاهی (۳)، اکثرا (۴)، همیشه (۵) است و سوالات ۲۶، ۳۰، ۳۳، ۴۵، ۴۷، ۳، ۱۱، ۱۴ و ۵۴ به صورت معکوس نمره گذاری می شود (براتی، ۱۳۷۵).

به منظور محاسبه پایایی و روایی، این پرسشنامه را روی یک گروه ۱۱۱ نفری متشکل از ۵۳ مرد و ۵۸ زن که برای رفع تعارضات زناشویی خود به مراجع قضایی و

^۱- Marital Conflicts Questionnaire

۳۲ سوالی که توسط اسپنیر (۱۹۷۶) ارائه شده بود ساخته شده است که به صورت طیف ۶ تایی از ۰ تا ۵ نمره- گذاری می‌شود، طوری که پاسخ کاملاً موافق نمره ۵ و پاسخ کاملاً مخالف نمره ۰ می‌گیرد. حداکثر نمره کل پرسشنامه ۷۰ و حداقل آن صفر می‌باشد این ابزار از سه خرده مقیاس همفکری و توافق (عبارات ۱ تا ۶)، رضایت (عبارات ۷ تا ۱۰)، انسجام (عبارات ۱۱ تا ۱۴) تشکیل شده است (معروفی زاده، عمانی سامانی، حسینی، سپیدار کیش و امینی، ۱۳۹۹). پایایی پرسشنامه به شیوه آلفای کرونباخ در مطالعه معروفی زاده و همکاران (۱۳۹۹) ۰/۸۴ برای نمره کلی و از ۰/۶۶ تا ۰/۸۴ برای خرده مقیاس‌ها گزارش شده و میزان آلفای پرسشنامه حاضر در تحقیق پناهی فر (۱۳۹۲) ۰/۸۷ بدست آمده است. همچنین میزان آلفای محاسبه شده در تحقیق حاضر ۰/۷۹ بدست آمد.

یافته‌ها

میانگین سنی گروه آزمایش ۲۶/۸۶ و گروه کنترل ۱۴/۲۸ بود و به لحاظ مدت زندگی مشترک ۵ نفر از گروه آزمایش و ۶ نفر از گروه کنترل در سال اول زندگی مشترک، ۱۱ نفر از هر دو گروه دارای بیش از ۱ سال و کمتر از ۴ سال زندگی مشترک؛ ۴ نفر از گروه کنترل و ۳ نفر از گروه آزمایش دارای بیش از ۴ سال زندگی مشترک بودند. همچنین تحصیلات آزمودنی‌ها در گروه آزمایش عبارت بود از ۵ دیپلم، ۱۳ نفر کاردانی و کارشناسی و ۲ نفر کارشناس ارشد و در گروه کنترل عبارت بود از ۶ نفر دیپلم، ۱۳ نفر کاردانی و کارشناسی و ۱ نفر کارشناسی ارشد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها و آزمون آماری فرضیه، آزمون تحلیل کوواریانس چند متغیره بکار رفته است. معیار تصمیم‌گیری یا قاعده رد

مراکز مشاوره مراجعه کرده بودند و همچنین یک گروه گواه ۱۰۸ نفری از زوج‌های عادی که متشکل از ۵۳ مرد و ۵۵ زن بودند اجرا کرد. مقایسه میانگین دو گروه سازگار و ناسازگار در مردان و زنان بیانگر وجود تفاوت معنادار بین آنهاست که توانایی تشخیص زوج‌های متعارض از نامتعارض را دارد (ثنایی، ۱۳۸۱). آلفای کرونباخ پرسشنامه در این بررسی ۰/۷۸ گزارش شده که مقدار قابل توجهی است، به علاوه میزان همبستگی هر سؤال با نمره کلی آزمون معناداری بالایی بدست آمده است (ثنایی، ۱۳۸۱). این ابزار از روایی خوبی برخوردار است به صورتی که در پژوهش عسکری، نواه، حسن و بابا (۲۰۱۳) با استفاده از روش آلفای کرونباخ و روش بازآزمایی به ترتیب ۰/۵۲ و ۰/۹۲ بدست آمد. همچنین در پژوهش بر روی زنان متأهل شاغل در بخش ستادی مخابرات شهر تهران آلفای کرونباخ برای مولفه‌های آن بین ۰/۶۰ تا ۰/۸۱ بدست آمده است (حاجی کرم، ۱۳۹۵). در پژوهش حاضر نیز برای بررسی همسانی درونی (پایایی) از آلفای کرونباخ استفاده شده که ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۶ به دست آمده است.

پرسشنامه سازگاری زوجی اصلاح شده^۱: این پرسشنامه توسط باسی، کریستنسن، کران و لارسن^۲ (۱۹۹۵) ساخته شده است. فرم اصلی این مقیاس توسط اسپنیر (۱۹۷۶) و براساس نظریه لویز و اسپنیر (۱۹۷۶) در مورد کیفیت روابط زناشویی ساخته شده است (ادیتال و لاول، ۲۰۰۵). برابوری، فینجام و بیج (۲۰۰۰) نیز پس از مطرح کردن نظریه‌ی خود در مورد کیفیت زناشویی، این پرسشنامه را به عنوان ابزاری مناسب برای ارزیابی کیفیت زناشویی معرفی می‌کنند. این پرسشنامه ۱۴ سوالی که از روی فرم

^۱- Revised Dyadic Adjustment Scale (RDAS)

^۲- Busby, Christensen, Crane, & Larson

در دو مرحله پیش‌آزمون و پس‌آزمون در جدول ۲ ارائه گردیده است.

برای آزمون در سطح $\alpha = 0/05$ و $\alpha = 0/01$ در نظر گرفته شده است. میانگین و انحراف استاندارد نمره‌های زوجین گروه‌های آزمایش و کنترل در متغیرهای پژوهش

جدول ۲ میانگین و انحراف استاندارد نمره‌های زوجین گروه‌های آزمایش و کنترل در متغیرهای پژوهش

مقیاس	خرده مقیاس	مرحله سنجش	گروه آزمایش		گروه کنترل	
			انحراف استاندارد	خطای میانگین	انحراف استاندارد	خطای میانگین
تعارضات زناشویی	کاهش همکاری زوجین	پیش‌آزمون	۱۹/۶۵۸	۲/۳۶۹	۰/۸۴۲	۱۹/۵۶۴
		پس‌آزمون	۱۶/۰۰۶	۲/۸۵۴	۰/۹۶۴	۲/۳۵۷
	کاهش رابطه جنسی	پیش‌آزمون	۱۸/۶۵۴	۲/۵۶۴	۰/۶۳۴	۱۷/۲۱۳
		پس‌آزمون	۱۵/۵۳۵	۱/۳۰۹	۰/۵۹۷	۲/۸۵۲
	افزایش واکنش هیجانی	پیش‌آزمون	۳۰/۵۷۶	۴/۵۴۱	۱/۲۱۵	۲۸/۸۷۴
		پس‌آزمون	۲۱/۵۴۷	۳/۹۶۴	۱/۳۵۱	۳/۰۵۴
	جلب حمایت فرزندان	پیش‌آزمون	۱۷/۳۶۴	۱/۳۶۷	۰/۶۵۵	۲۲/۵۴۴
		پس‌آزمون	۱۴/۳۵۲	۱/۴۵۶	۰/۴۵۶	۲۰/۸۷۷
	کاهش رابطه خانوادگی با خویشاوندان همسر	پیش‌آزمون	۱۴/۵۶۷	۳/۵۶۳	۰/۲۱۳	۱۵/۶۶۴
		پس‌آزمون	۱۰/۶۵۴	۲/۶۷۶	۰/۵۶۴	۳/۱۳۸
	افزایش رابطه فردی با خویشاوندان خود	پیش‌آزمون	۲۱/۶۸۷	۳/۵۴۶	۱/۵۷۴	۲۲/۰۱۵
		پس‌آزمون	۱۸/۸۹۵	۳/۳۴۵	۰/۶۵۵	۳/۲۵۴
جدا کردن امور مالی	پیش‌آزمون	۲۴/۸۹۶	۳/۴۸۶	۰/۶۵۴	۲۴/۸۷۹	
	پس‌آزمون	۲۰/۵۳۴	۳/۰۲۴	۰/۵۶۴	۳/۷۸۶	
تعارض (نمره کل)	پیش‌آزمون	۱۴۷/۵۸۲	۲۱/۴۳۶	۵/۷۸۷	۱۵۰/۷۳۳	
	پس‌آزمون	۱۱۷/۵۲۳	۱۹/۲۴۹	۵/۱۵۱	۱۴۵/۳۰۱	
همفکری و توافق	پیش‌آزمون	۱۱/۴۲۴	۳/۷۵۴	۱/۳۵۴	۹/۰۱۹	
	پس‌آزمون	۱۵/۸۹۷	۴/۱۶۹	۱/۴۵۶	۴/۰۵۷۸	
رضایت	پیش‌آزمون	۷/۰۲۵	۲/۱۹۸	۱/۵۸۰	۶/۹۷۸	
	پس‌آزمون	۱۱/۹۸۴	۲/۸۹۶	۱/۰۴۳	۷/۰۲۴۵	
انسجام	پیش‌آزمون	۵/۹۹۰	۲/۵۴۶	۰/۹۳۵	۶/۵۶۷	
	پس‌آزمون	۱۰/۰۵۴	۲/۴۵۰	۰/۸۷۹	۶/۴۵۳	
سازگاری (نمره کل)	پیش‌آزمون	۲۴/۶۸۷	۸/۵۶۵	۰/۱۵۲	۲۲/۵۶۴	
	پس‌آزمون	۳۸/۵۶۵	۱۰/۹۶۵	۳/۵۶۳	۳۳/۸۷۶	

تعارضات زناشویی (۱۴۷/۵۸۲) و (۱۵۰/۷۳۳)، و برای متغیر سازگاری زناشویی (۲۴/۶۸۷) و (۲۲/۵۶۴) بود. در

براساس نتایج بدست آمده در جدول ۲ میانگین نمرات گروه آزمایش و کنترل در مراحل پیش‌آزمون برای متغیر

مرحله پس‌آزمون برای متغیر تعارضات زناشویی (۱۱۷/۵۲۳) و (۱۵۱/۳۰۱)، و برای متغیر سازگاری زناشویی (۳۸/۵۶۵) و (۲۳/۸۷۶) بدست آمده است. در ادامه به منظور تعیین همسانی و برابری واریانس‌ها از آزمون لوین استفاده شد. نتایج این تحلیل در جدول ۳، آمده است.

جدول ۳ نتایج آزمون لوین برای آزمودن همگنی واریانس بین گروهی

مقیاس	خرده مقیاس	مقدار F	درجه آزادی ۱	درجه آزادی ۲	سطح معنی‌داری
تعارضات زناشویی	کاهش همکاری زوجین	۱/۴۲۸	۱	۳۸	۰/۱۱۲
	کاهش رابطه جنسی	۱/۰۱۱	۱	۳۸	۰/۱۸۱
	افزایش واکنش هیجانی	۰/۸۷۱	۱	۳۸	۰/۴۱۰
	جلب حمایت فرزندان	۲/۵۷۷	۱	۳۸	۰/۰۹۸
	کاهش رابطه خانوادگی با خویشاوندان همسر	۰/۶۸۷	۱	۳۸	۰/۸۵۴
	افزایش رابطه فردی با خویشاوندان خود	۱/۰۱۲	۱	۳۸	۰/۲۹۸
	جدا کردن امور مالی	۰/۰۹۶	۱	۳۸	۰/۷۰۵
سازگاری زناشویی	تعارض (نمره کلی)	۰/۸۹۱	۱	۳۸	۰/۵۰۸
	همفکری و توافق	۲/۹۱۱	۱	۳۶	۰/۱۰۸
	رضایت	۱/۱۲۴	۱	۳۶	۰/۵۴۱
سازگاری (نمره کلی)	انسجام	۲/۵۴۳	۱	۳۶	۰/۱۳۱
	سازگاری (نمره کلی)	۰/۹۷۲	۱	۳۶	۰/۲۵۴

آزمودن فرضیه‌های پژوهش، آزمون تحلیل کوواریانس چندمتغیره انجام شد که نتایج آن در جدول ۴، آمده است.

نتایج آزمون لوین در جدول فوق نشان داد که فرض مورد نظر در تمامی حوزه‌ها در پیش‌آزمون و پس‌آزمون برقرار است. جهت مشخص شدن میزان معنی‌داری تفاوت‌ها میان دو گروه در تعارضات زناشویی و همچنین

جدول ۴ تحلیل متغیر چند راهه برای بررسی معناداری میانگین‌های پیش‌آزمون و پس‌آزمون دو گروه در متغیرهای وابسته

آزمون	مقدار F	درجه آزادی فرضیه	درجه آزادی خطا	سطح معنی‌داری	ضریب تا
آزمون اثر پیلایی	۲۴۷/۸۶۴	۷/۰۰۰	۲۱/۰۰۰	۰/۰۰۱	۰/۸۷۵
آزمون لامبدای ویلکز	۲۴۷/۸۶۴	۷/۰۰۰	۲۱/۰۰۰	۰/۰۰۱	۰/۸۷۵
آزمون اثر هتلینگ	۲۴۷/۸۶۴	۷/۰۰۰	۲۱/۰۰۰	۰/۰۰۱	۰/۸۷۵
آزمون بزرگترین ریشه روی	۲۴۷/۸۶۴	۷/۰۰۰	۲۱/۰۰۰	۰/۰۰۱	۰/۸۷۵

تفاوت معناداری وجود دارد، که مشخص شدن تفاوت‌ها آزمون آنکووا در متن مانکوا انجام شد که نتایج مربوط به این آزمون در جدول ۵ آورده شده است.

براساس جدول ۴ متغیرهای وابسته با مقدار $0/08$ و $F=247/864$ و سطح معنی داری $0/001$ به طور معنی داری دارای تفاوت با مفادیر درون گروهی خود هستند بنابراین حداقل در یکی از متغیرهای وابسته بین دو گروه

جدول ۵ نتایج آنکووا در متن مانکوا روی نمره‌های پس آزمون متغیرهای تحقیق

مقیاس	خرده مقیاس	مجموع مجدورات	درجه آزادی	میانگین مجدورات	F	سطح معنی داری	ضریب اتا
تعارضات زناشویی	کاهش همکاری زوجین	۲۵/۵۵۴	۱	۲۵/۵۵۴	۱۱/۲۲۹	۰/۰۴۱	۰/۵۳۵
	کاهش رابطه جنسی	۳۶/۴۵۸	۱	۳۶/۴۵۸	۱۴/۴۵۶	۰/۰۱۲	۰/۶۶۱
	افزایش واکنش هیجانی	۴۱/۳۵۵	۱	۴۱/۳۵۵	۱۹/۱۹۸	۰/۰۰۱	۰/۷۴۸
	جلب حمایت فرزندان	۰/۱۱۲	۱	۰/۱۱۲	۲/۵۴۲	۰/۵۰۹	۰/۰۹۰
	کاهش رابطه خانوادگی با خویشاوندان همسر	۵۳/۲۱۱	۱	۵۳/۲۱۱	۲۱/۴۲۵	۰/۰۰۱	۰/۸۵۹
	افزایش رابطه فردی با خویشاوندان خود	۳۹/۸۶۸	۱	۳۹/۸۶۸	۱۳/۴۵۵	۰/۰۰۱	۰/۸۸۷
	جدا کردن امور مالی	۶۱/۰۰۶	۱	۶۱/۰۰۶	۲۵/۷۸۸	۰/۰۰۱	۰/۸۹۰
سازگاری زناشویی	تعارض	۴۸۹/۴۵۵	۱	۴۸۹/۴۵۵	۷۲/۱۲۴	۰/۰۰۰۱	۰/۹۷۶
	همفکری و توافق	۱۵۴/۶۹۷	۱	۱۵۴/۶۹۷	۱۴/۵۳۴	۰/۰۰۸	۰/۵۸۹
	رضایت	۱۹۸/۵۰۹	۱	۱۹۸/۵۰۹	۱۹/۰۲۳	۰/۰۰۳	۰/۶۰۷
سازگاری	انسجام	۲۲۰/۱۶۳	۱	۲۲۰/۱۶۳	۳۱/۶۷۸	۰/۰۰۱	۰/۷۱۹
	سازگاری	۱۰۲۵/۹۵۸	۱	۱۰۲۵/۹۵۸	۳۵/۷۴۱	۰/۰۰۱	۰/۸۱۶

کاهش رابطه خانوادگی با خویشاوندان همسر با مقدار $f=53/211$ و $P=0/001$ ، حوزه افزایش رابطه فردی با خویشاوندان خود با مقدار $f=39/868$ و $P=0/001$ و حوزه جدا کردن امور مالی با $f=61/006$ و $P=0/001$ تفاوت معنی دار وجود دارد. و در حوزه جلب حمایت فرزندان با مقدار $f=0/112$ و $P=0/509$ تفاوت معنی-دار وجود ندارد.

از طرف دیگر از نظر نمره کلی سازگاری زناشویی بین زوجین گروه آزمایش که مداخلات زوج درمانی مبتنی بر مولفه‌های هوش هیجانی را دریافت نموده‌اند و گروه کنترل که هیچگونه آموزشی دریافت نکرده‌اند تفاوت

همانگونه که در جدول ۵ مشاهده می‌شود، بین زوجین گروه آزمایش که مداخلات زوج درمانی مبتنی بر مولفه-های هوش هیجانی را دریافت نموده‌اند و گروه کنترل که هیچگونه آموزشی دریافت نکرده‌اند از نظر نمره کلی تعارضات زناشویی تفاوت معنی داری وجود دارد ($f=489/455$ و $P=0/0001$). بررسی تفاوت در نمرات پیش آزمون و پس آزمون حوزه‌های تعارضات زناشویی نشان داد که در حوزه کاهش همکاری زوجین با $f=25/554$ و $P=0/041$ ، حوزه کاهش رابطه جنسی با $f=36/458$ و $P=0/012$ ، حوزه افزایش واکنش هیجانی با مقدار $f=41/355$ و $P=0/0017$ ، حوزه

معنی‌داری وجود دارد ($f=35/741$ و $P=0/001$)، $(\eta^2=0/816)$.

بحث

پژوهش حاضر با هدف تعیین اثربخشی زوج درمانی مبتنی بر مولفه‌های هوش هیجانی بر کاهش تعارضات زناشویی و افزایش سازگاری زوجین متقاضی طلاق شهرستان خرم‌آباد انجام شد. نتایج این پژوهش نشان داد که نمرات تعارضات زناشویی و سازگاری زناشویی زوجین گروه آزمایش که تحت زوج درمانی مبتنی بر مولفه‌های هوش هیجانی قرار گرفتند در مقایسه با گروه کنترل که هیچگونه مداخله‌ای دریافت نکردند؛ به صورت محسوس و معنی‌داری بهبود یافته است. به عبارت دیگر زوج درمانی مبتنی بر مولفه‌های هوش هیجانی بر کاهش تعارضات زناشویی و افزایش سازگاری زناشویی زوجین متقاضی طلاق اثربخش بود. این نتایج با یافته‌های اسمیت، هیاون و کلاروچی (۲۰۰۸)؛ کامل عباسی و همکاران (۲۰۱۶)؛ احیاکننده و چنگ (۲۰۱۵)؛ موسوی و ایروانی (۱۳۹۰)؛ کارن و تامارن (۲۰۱۰)؛ براکت و همکاران (۲۰۰۵)؛ مانجولا و همکاران (۲۰۱۶)؛ توکل و همکاران (۱۳۹۵) و شهید و کاظمی (۱۳۹۵) همسو است. در تبیین این یافته‌ها می‌توان گفت زوج درمانی مبتنی بر مولفه‌های هوش هیجانی با تقویت روابط صمیمانه و شکل دهی روابط مناسب و سازنده می‌تواند به سطح بالای سازش‌پذیری، توافق و حل تعارضات زناشویی منجر شود. این توانایی مقابله با مشکلات و مسایل روزمره و بحرانی زندگی زناشویی و استفاده از راهبردهای حل مساله در شرایط دشوار از مولفه‌های هوش هیجانی است که می‌تواند به کنش‌وری بهنجار بیانجامد و در افزایش سازگاری زناشویی اثر مستقیم داشته باشد. بنابراین با

آموزش مولفه‌های هوش هیجانی و افزایش میزان تبادلات مثبت در زمان بررسی تعارض و حل مسائل ارتباطی می‌توان به شیوه‌ای کارآمد به افزایش سازگاری زناشویی کمک کرد. بر این اساس زوج درمانی مبتنی بر هوش هیجانی با مورد آماج قرار دادن همدلی به رشد توانایی درک و فهم افکار، عواطف و احساسات به هنگام بروز تعارض منجر می‌شود، همچنین با تاثیر بر خودبازبینی و خودکنترلی در موقعیت‌های اجتماعی موجب می‌گردد افراد پاسخ‌های همراه با یاری و مشارکت و همکاری بیشتر در مورد همسران خود داشته باشند که نتیجه آن کاهش تعارضات زناشویی است.

از طرف دیگر آموزش مولفه‌های تنظیم خلق، مدیریت استرس و سازگاری در فرایند زوج درمانی مبتنی بر هوش هیجانی به زوجین کمک می‌شود در کنترل واکنش‌های هیجانی به طور موفق‌تری عمل کنند و همین‌طور در همکاری‌ها و ارتباطات فامیلی به شکل سازگارانه‌تری عمل نمایند که نتیجه آموزش این رفتارهای جدید افزایش همبستگی و توافق زناشویی و در نتیجه کاهش میزان تعارضات زناشویی است.

کاهش رابطه خانوادگی با خویشاوندان همسر و همچنین افراط در ارتباط با خویشاوندان خود یکی از مسائل مشکل ساز در فرهنگ ما بوده و از خرده مقیاس‌های تعارضات زناشویی نیز می‌باشد که زوج درمانی مبتنی بر مولفه‌های هوش هیجانی با آموزش و تقویت روابط بین فردی در راستای متعادل نمودن این‌گونه روابط قدم برمی‌دارد که نتیجه آن کاهش تعارضات و ارتقای کیفیت زندگی زناشویی افراد متقاضی طلاق می‌باشد.

همچنین نتایج این پژوهش نشان داد که نمرات سازگاری زناشویی زوجین گروه آزمایش در مقایسه با گروه

شود که زوج درمانی هیجان محور با آموزش روابط بین فردی سازگاران و حل تعارضات به شیوه‌ای سازگاران به افراد متقاضی طلاق کمک می‌کند تا به کارها و یا علایق مشترک در خارج از خانه پرداخته و به صورت دلچسب و جذاب تر تبادل نظر کرده و از مهارت‌های گفتگو استفاده کنند. در واقع زوجینی که درک هوش هیجانی بیشتری دارند در برخورد با وضعیت تنش‌زا موفق‌تر هستند به طور موثر چالش‌های هیجانی را مدیریت و در نتیجه رضایت زناشویی بهتری را تجربه می‌کنند. مهمترین محدودیت تحقیق حاضر عدم برگزاری مرحله پیگیری برای تعیین اثرات درمان در دراز مدت بر روی مراجعان بود. در راستای پژوهش حاضر پیشنهاد می‌شود آموزش مهارت‌های هوش هیجانی در برنامه آموزش‌های پیش از ازدواج مراکز بهداشت گنجانده شود و روان‌درمانگران در مشاوره‌های طلاق و اختلافات زناشویی از آموزش هوش هیجانی بهره گیرند. همچنین پیشنهاد می‌شود اثربخشی روان‌درمانی مبتنی بر هوش هیجانی می‌تواند بر روی افرادی که در روابط زناشویی مرتکب خیانت زناشویی می‌شوند بررسی گردد.

سپاسگزاری

این پژوهش منتج از پایان نامه براساس کد کمیته اخلاق IR.LUMS.REC.1400.101 انجام شده است. نویسندگان از تمامی کسانی که آن‌ها را در انجام این پژوهش یاری کرده‌اند کمال تشکر و قدردانی را دارند.

References

Adital B, Lavee Y. (2005). Dyadic characteristics of individual attributes: attachment, neuroticism, and their relations to marital quality and

کنترل؛ به صورت محسوس و معنی‌داری افزایش یافته است که در هر سه خرده مقیاس سازگاری زناشویی این افزایش به وجود آمده است. به عبارت دیگر زوج درمانی مبتنی بر مولفه‌های هوش هیجانی بر افزایش سازگاری زناشویی زوجین متقاضی طلاق اثربخش بوده است. این نتایج با یافته‌های اسمیت، هیاون و کلاروچی (۲۰۰۸)؛ اسکات (۲۰۱۸)؛ کارن و تامارن (۲۰۱۰) و بتول و خالد (۲۰۰۹) همسو است. در تبیین این یافته می‌توان گفت هوش هیجانی یا حداقل برخی از جنبه‌های آن ظرفیت غنی سازی یک ازدواج توأم با رضایت و سازگاری مطلوب و باثبات را دارد و افراد دارای هوش هیجانی بالاتر در مقایسه با افراد با هوش هیجانی پایین رضامندی زناشویی بیشتری را تجربه می‌کنند. بر این اساس مهارت‌های هوش هیجانی از جمله شادکامی در رابطه با خود و زندگی، احترام به نفس مثبت، تماس با خویشان، احساس خودگردانی، انتظارات واقع بینانه، مهارت‌های بین فردی، احساس مسئولیت نسبت به دیگران و توانایی حفظ شرایط مثبت علی‌رغم وجود شرایط دشوار در سازگاری زناشویی نقش دارند.

نتیجه‌گیری

زوج درمانی مبتنی بر هوش هیجانی با کاستن از نشانه‌های بی‌کفایتی عاطفی و رفتارهایی که می‌تواند منجر به ناسازگاری و در نهایت جدایی شود باعث ثبات زندگی و بقای ازدواج می‌گردد. از طرف دیگر ناسازگاری زناشویی با اختلاف در موضوعات و مسائل مذهبی، ابراز محبت، روابط جنسی، رفتار صحیح، تصمیمات شغلی و تحصیلی تعریف می‌شود که در نهایت منجر به ناراحت کردن یکدیگر، دعوا، جدایی یا پایان دادن به رابطه می‌-

- closeness. *American Journal of Orthopsychiatry*, 4, 621-632.
- Askari M, Noah S, Hassan B, Baba M. (2012). Comparison the Effects of Communication and Conflict Resolution Skills Training on Marital Satisfaction. *International Journal of Psychological Studies*, 5, 91-104.
- Barati T, Sanai Z. (1996). The effect of marital conflicts on marital relations. Thesis for receiving «M.A» degree on Clinical Psychology: Islamic Azad University, Science and Research Branch. (In Persian)
- Batool S, Khalid R. (2009). "Role of emotional intelligence in marital relationship". *Pakistan Journal Psychological Research*, 24, 43-62.
- Bracett MA, Warner RM, Bosco JS. (2005). "Emotional intelligence and relationship quality among couples". *Personal Relationships*, 12, 197-212.
- Bradbury T, Fincham F, Beach S. (2000). Research on the nature and determinants of marital satisfaction: A decade in review. *Journal of Marriage and Family*, 62, 964-980.
- Busby DM, Christensen C, Crane DR, Larson JH. (1995). A revision of the dyadic adjustment scale for use with distressed and nondistressed couples: Construct hierarchy and multidimensional scales. *Journal of Marital and Family Therapy*, 21, 289-308.
- Cusimano AM, Riggs SA. (2013). Perceptions of interparental conflict, romantic attachment, and psychological distress in college students. *Couple and Family Psychology: Research and Practice*, 2, 45-55.
- Ehyakonandeh M, Chang MF. (2015). The impact of teaching the emotional intelligence on the individual-social compatibility of male and female students of university. *Quarterly Journal of Career & Organizational Counseling*, 2, 29-45.
- Emami GJ, Mirzaian B, Hassanzadeh R. (2015). The Relationship between Components of Emotional Intelligence and Marital Satisfaction among English Teachers. *Journal of Political & Social Sciences*. 2, 27-30. (In Persian)
- Haaz DH, Kneavel M, Browning SW. (2014). The father-daughter relationship and intimacy in the marriages of daughters of divorce. *Journal of Divorce & Remarriage*, 55, 164-177.
- Hajikaram A. (2016). Relationship between Family-Work Conflict with Mental Health and Marital Conflicts of Working Women in Tehran. *Journal of Research in Clinical Psychology and Counseling*. 6, 113-127. (In Persian)
- Harvey JH, Fine MA. (2011). *Children of divorce*. New York, NY: Routledge, Taylor & Francis Group.
- Holley P. (2006). The relationship between intelligence and divorce. *Personality and Individual Differences*, 45, 738-743.
- Hopkins MM, Yonker RD. (2015). Managing conflict with emotional intelligence: abilities that make a difference. *Journal of Management Development*, 34(2), 226-244. doi:10.1108/JMD-04-2013-0051
- Jalali A. (2002). Emotional Intelligence. *Quarterly Journal of Education*. 69, 90-110. (In Persian)
- Kamel Abbasi AR, Tabatabaei SM, Aghamohammadiyan SH, Karshki H. (2016). Relationship of Attachment Styles and Emotional Intelligence with Marital Satisfaction. *Iranian Journal of Psychiatry and Behavioral Sciences*. 10, 2778-2781. (In Persian)
- Karen J, Tamaren MA. (2010). *Factor of emotional intelligence associated with marital satisfaction*. New York: Cambridge University Press.
- Koochak Entezar R, Nooraini O, Ghanbari Panah A. (2011). Relation between emotional intelligence and forgiveness with marital satisfaction. *International Journal of Fundamental Psychology & Social Science*, 1, 21-25. (In Persian)
- Lavalekar A, Kulkarni P, Jagtap P. (2010). "Emotional intelligence and marital satisfaction". *The Journal of Social Psychology*, 5, 185-194.
- Lewis R, Spanier G. (1979). Theorizing about the quality and stability of marriage. In: Burr WR, Editor. *Contemporary theories about the*

- family: Research-based theories. New York, NY: Free Press.
- Manjula M, Raghu RM, Pramod R. (2016). Emotional intelligence as a predictor of marital Satisfaction. *Journal of Science*, 6, 307-311.
- Maroufizadeh S, Omani-Samani R, Hosseini M, Almasi-Hashiani A, Sepidarkish M, Amini P. (2020). The Persian version of the revised dyadic adjustment scale (RDAS): a validation study in infertile patients. *BMC Psychology*, 8, 6-19. (In Persian)
- Moeller C, Kwantes CT. (2015). Too Much of a Good Thing? Emotional Intelligence and Interpersonal Conflict Behaviors. *The Journal of Social Psychology*, 4, 314-324.
- Mosavi SE, Irvani MR. (2011). A study on relationship between emotional maturity and marital satisfaction. *Management Science Letters*, 2, 1-6. (In Persian)
- Panahifar S. (2013). Effectiveness of Schema-Focused Couple Therapy to Reduce Marital Conflict and Increased Marital Compatibility Applicant for Divorce. Thesis for receiving «M.A» degree on Clinical Psychology: Islamic Azad University, Science and Research Branch. (In Persian)
- Roth KE, Harkins DA, Eng LA. (2014). Parental conflict during divorce as an indicator of adjustment and future relationships: A retrospective sibling study. *Journal of Divorce & Remarriage*, 55, 117-138.
- Sadeghi MS, Hashemi Geshnigani R, Fallazade H. (2015). The comparison of self-discrepancy among individuals demanding and non-demanding divorce. *Iranian Journal of Family Psychology*, 2(1):39-48. (In Persian)
- Salovey P, Mayer JD, Caruso D. (2002). The Positive psychology of Emotional Intelligence. In C.R. Snyder & S.J. Lopez (Eds.), *The Handbook of Positive Psychology* New York: Oxford University Press.
- Sanai Z. (2010). *Famili and marriage scales*. Tehran: Besat. (In Persian)
- Schutte N. (2018). *Emotional Self-Efficacy an Introduction to Emotional Intelligence*: John Wiley & Sons Ltd.
- Serrat O. (2017). Understanding and developing emotional intelligence. *Knowledge Solutions*, 329-339.
- Shahid H, Kazemi SF. (2016). Role of Emotional Regulation in Marital Satisfaction. *International Journal for Social Studies*, 4, 47-60.
- Smith LM, Heaven PCL, Ciarrochi J. (2008). Trait emotional intelligence, conflict communication patterns, and relationship satisfaction. *Journal of Personality and Individual Differences*, 44, 1314-1325.
- Spanier GB. (1976). Measuring dyadic adjustment: New scales for assessing the quality of marriage and similar dyads. *Journal of Marriage and the Family*, 38, 15-28.
- Tavakol Z, Nikbakht NA, Behboodi Moghadam Z, Salehiniya H, Rezaei E. (2016). A Review of the Factors Associated with Marital Satisfaction. *Galen Medical Journal*, 6, 167-207. (In Persian)